



مقاله پژوهشی: بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ

نوشین هنرمند^۱، علی عشقی سردهی^{۲*}، ابوالقاسم امیراحمدی^۳

چکیده

تمثیل از جمله مباحث مهم در بلاغت قدیم و جدید است که از نظر ساختار به دو بخش تمثیل کوتاه یا فشرده و تمثیل گسترده تقسیم می‌شود. در تمثیل فشرده و توصیفی که مهم‌ترین انواع آن تشبیه تمثیلی، استعاره‌ی تمثیلی، مثل و اسلوب معادله است از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و در اشعار شاعران قدیم تاکنون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ولی تاکنون تحقیقی کامل و مجزا در خصوص تمثیل فشرده و انواع آن در غزلیات حافظ به رشته تحریر درنیامده است. پس در این مقاله که با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی به بررسی تمثیل‌های فشرده در غزلیات حافظ، به شیوه‌ی کیفی پرداخته شده است ضمن تعریف تمثیل فشرده و انواع آن و بیان مثال‌هایی جهت روشن سازی مطلب، در پی پاسخ گویی به سؤالاتی همچون: کاربرد تمثیل فشرده در غزلیات حافظ چگونه است و چه نوع از انواع تمثیل فشرده کاربرد بیشتری دارد؟ می‌باشد. تمثیل‌های فشرده‌ی حافظ بیشتر از نوع استعاره‌ی تمثیلی، اسلوب معادله و مثل می‌باشد و تشبیه تمثیلی بسیار به ندرت کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: تمثیل فشرده، استعاره تمثیلی، تشبیه تمثیلی، مثل، اسلوب معادله.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۹ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

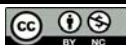
۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

nooshinonarmad@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. نویسنده مسئول، eshghi@iaus.ac.ir

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. amirahmadi@iaus.ac.ir

لطفاً به این مقاله استناد کنید: هنرمند، نوشین، عشقی سردهی، علی، امیراحمدی، ابوالقاسم، (۱۴۰۰) بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، ۵۰(۴): ۱۵۰-۱۶۵. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1400.13.50.7.4>



حق مؤلف © نویسندگان.

DOR: 20.1001.1.2717431.1400.13.50.7.4

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه / زمستان ۱۴۰۰ / از صفحه ۱۵۰ - ۱۶۵

مقدمه

تمثیل از نظر ساختار به دو بخش تمثیل توصیفی (تمثیل فشرده و کوتاه) و تمثیل روایی (گسترده) تقسیم شده است که تمثیل فشرده خود دارای چهار شاخه می‌باشد. در این مقاله به بررسی تمثیل‌های فشرده در غزلیات حافظ پرداخته‌ایم که در آغاز کار به طور اجمالی به توصیف مسئله پرداخته‌ایم و مقصود خود از تمثیل فشرده را بیان کرده و نظریات بزرگان را در رابطه با تمثیل فشرده و انواع آن بیان کرده‌ایم. سپس پیشینه‌ای در خصوص موضوع تحقیق گزارش داده‌ایم که تاکنون در خصوص تمثیل فشرده در ابیات حافظ کاری صورت نگرفته است. و در ادامه روش تحقیق و اهداف و اهمیت موضوع را بیان کرده و سعی شده تا به طور مفید و خلاصه وار تمثیل فشرده و انواع آن را معرفی کنیم. سپس غزلیات حافظ را بر مبنای این نوع تمثیل مورد بررسی قرار داده‌ایم و ابیاتی را که حافظ در آن‌ها از تمثیل فشرده بهره برده است را بیرون کشیده و سپس این شاهدها را با توضیحات مربوطه و به صورت دسته بندی جداگانه به نگارش درآورده‌ایم.

بیان مسئله

تمثیل در کتب بلاغی قدیم و جدید زیر مجموعه‌ی انواع دیگری از آرایه‌های ادبی محسوب می‌شده است و نظریات مختلفی در خصوص آن وجود داشته است چنانچه شیری در این رابطه چنین بیان می‌دارد:

«در کتابهای بلاغت قدیم تمثیل شاخه‌ای از تشبیه به شمار رفته است و با تعابیر تشبیه، تمثیل تشبیهی، استعاره‌ی تمثیلیه از آن یاد شده است. اغلب علمای بلاغت، چون مطرزی، ابن اثیر، جرجانی، زمشخری، سکاکی و خطیب قزوینی، تمثیل را مترادف با تشبیه دانسته‌اند، که وجه شبه آن از امور متعدد منتزع می‌شود. اما بعضی دیگر از اهل بلاغت چون ابن رشیق قیروانی، ابن خطیب رازی، تفتازانی، علوی، شمس قیس، واعظ کاشفی، تمثیل را از زیر شاخه‌های استعاره و مجاز به شمار آورده‌اند.» (شیری، ۴۲: ۱۳۷۶). بنابراین چنانچه از مطالب قبلی دریافت می‌کنیم مبحث مهم و بحث برانگیزی که محققان گاه آن را با دیگر مباحث بلاغی در هم آمیخته‌اند تمثیل است که در کتاب‌های قدیم از تمثیل در مباحث تشبیه مرکب و استعاره‌ی تمثیلیه سخن گفته شده است؛ در حالی که در نقد جدید، تمثیل زیرمجموعه‌ی مبحث تصویر و خیال است. که خود تمثیل توسط بلاغیون از نظر ساختار به انواعی تقسیم گردیده است. «زبان فارسی مملو از تمثیل‌هایی است که از لحاظ ساختار به دو بخش

تمثیل توصیفی (تمثیل کوتاه) و تمثیل روایی (تمثیل گسترده) تقسیم می‌شوند. تمثیل کوتاه از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و شامل تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، استدلالی، مثل، کنایه مثلی، اسلوب معادله و... می‌شود. تمثیل گسترده و روایی که بیشتر شکل داستانی دارد، شامل افسانه تمثیلی، حکایات انسانی و حیوانی تمثیلی و تمثیل رمزی، فابل، پارابل و... می‌شوند. (رک. حمیدی و شامیان، ۱۳۷۴)

بنابراین یکی از این نوع تقسیم بندی با عنوان تمثیل فشرده نام دارد. که این نوع تمثیل شامل چهار آرایه به نام تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، اسلوب معادله و مثل می‌باشد. که در این تحقیق ضمن تبیین تمثیل و بیان انواع آن از نظر ساختار، ابتدا تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه را با توجه به کتب بلاغی از هم تفکیک نموده سپس مثال‌هایی از هر کدام را در صورت وجود در غزلیات حافظ برگزیده و سپس به نقد و بررسی آنها پرداخته‌ایم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در زمینه ی تمثیل داشته‌ها و نداشته‌های زیادی موجود است که پژوهشگر تمامی تلاشش را می‌کند تا غزلیات حافظ را مورد بررسی قرار دهد و دریچه‌ای نو در باب تمثیلات فشرده به روی ادب دوستان و دانشجویان جویای یادگیری گشوده شود و این بزرگواران را به بررسی عمیق‌تر در خصوص انواع تمثیل از لحاظ ساختار سوق دهد.

پیشینه ی پژوهش

در خصوص پیشینه‌ی این پژوهش باید اشاره نمود درباره‌ی تمثیل آثار بسیاری اعم از کتاب‌ها یا مقاله یا پایان نامه نوشته شده است و هرچند که انواع تمثیل فشرده مثل اسلوب معادله در اشعار حافظ به رشته‌ی تحریر در آمده است اما درباره تمثیل فشرده فقط به مقاله‌ای با عنوان معرفی انواع تمثیل فشرده و جست و جوی رد پای آن در شعر نخستین شعرای زبان فارسی به نگارش احترام رضایی در مجله‌ی علمی شعر پژوهی دانشگاه شیراز سال ۱۳۹۸ می‌توان اشاره کرد. و درباره‌ی تمثیل فشرده در شعر حافظ، پژوهشی کامل و مفصل مشابه این پژوهش تاکنون به نگارش درنیامده است. و این پژوهش در نوع خود تازه و نو است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی است و جامعه‌ی آن شامل کلیه‌ی غزلیات حافظ است و نمونه کل تمثیل‌های فشرده‌ی موجود در این ابیات ۱۶۰ مورد می‌باشد.

تمثیل

در لغت تمثیل به معنی مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر است. در فرهنگ لغت دهخدا ذیل واژه تمثیل می‌خوانیم که «علاقه‌ی شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل می‌نامند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰) در میان بلاغیون جدید، شمیسا با توجه به نظریات اهل بلاغت، برای تمثیل چهار معنا قائل شده است: «۱. تمثیل در ادبیات سستی که مصراعی یا بیتی است که برای اثبات مطلب معقولی که در مصرع یا بیت قبل گفته شده به کار می‌رود.

۲. تمثیل به عنوان یک ژانر ادبی مثل کلیله و دمنه در مفهوم قدیم و داستان‌های کافکا در مفهوم جدید که به این دومی به اعتبار اجزای آن سمبولیک می‌گویند.

۳. تمثیل در مقابل سمبل که أمثال کادن می‌گویند، وضعی و اختیاری است. در این صورت تمثیل از اجرای حکایت تمثیلی است.

۴. تمثیل بیانی که یا ب صورت تشبیه تمثیل است یا استعاره تمثیل. اگر این دونوع را بسط بدهیم تبدیل به حکایت بلند تمثیلی می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۴-۲۴۵)

انواع تمثیل از نظر ساختار

چنانچه پیشتر ذکر شد طبق نظریه‌ی حمیدی و شامیان تمثیل از نظر ساختار به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف: تمثیل روایی یا گسترده

این نوع تمثیل بیشتر شکل داستانی دارد و شامل افسانه‌های تمثیلی، حکایات انسانی و حیوانی تمثیلی و تمثیل رمزی، فابل، پارابل و... می‌شوند.

ب) تمثیل توصیفی (تمثیل کوتاه)

این نوع تمثیل از نظر تعداد جملات و حجم از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و دارای انواعی شامل تشبیه تمثیلی، استعاره‌ی تمثیلی، ارسال مثل و اسلوب معادله هستند. که در اینجا بنابراینکه این نوع تمثیل مد نظر ما می‌باشد به تعریف هر یک از انواع خواهیم پرداخت.

استعاره‌ی تمثیلی

بعضی از بلاغیون استعاره‌ی تمثیلی را همان استعاره‌ی مرکب دانسته‌اند و به تفاوت‌های میان این دو توجه خاصی نکرده اند چنانچه شمیسا معتقد است که «به استعاره‌ی مرکب، استعاره‌ی تمثیلیه هم می‌گویند اما بهتر است که اصطلاح استعاره‌ی تمثیلی را در موردی به کار ببریم که استعاره‌ی مرکب جنبه ارسال المثل یا ضرب المثل داشته باشد. یعنی مأخوذ از تشبیه تمثیلی باشد مثل مهتاب به گز پیمودن یا خورشید به گل اندودن که استعاره‌ی تمثیلی از عمل لغو و ناممکنند.» (شمیسا، ۱۳۸۶، ۲۰۱) چنانچه می‌بینیم شمیسا با این تعریف خود از استعاره‌ی تمثیلیه میان اصطلاحاتی همچون مجاز مرکب بالاستعاره و تمثیل که بعضی از بلاغیون همچون مازندرانی، تفتازانی و فندرسکی در مورد استعاره‌ی تمثیلی ذکر کرده‌اند تمایز قائل شده است. مهم‌ترین ویژگی استعاره تمثیلیه در مقایسه با تشبیه تمثیلی و کنایه عبارت‌اند از:

۱- «در تشبیه تمثیلی مشبه، مشبه به، و ادات تشبیه مرکب حضور دارند، درحالی که در استعاره تمثیلیه چنین مختصاتی دیده نمی‌شود، در استعاره تمثیلیه تنها با مشبه به سرو کار داریم آن هم براساس رابطه‌ی مشابهت یا لازمیت.

۲- در استعاره تمثیلیه به دلیل فقدان مشبه بار معنایی بر دوش یک جمله است و مخاطب تعمق و دقت بیشتری لازم دارد.

۳- در استعاره تمثیلیه از نظر معنایی تاکید بر جمله‌ای است که در معنای ثانویه به کار می‌رود. بنابراین بهترین راه شناخت استعاره تمثیلیه، قرار دادن آن در کنار کنایه است. در کنایه جمله دارای دو معنا است و هر دو معنا هم کاربردی هستند و با توجه به شرایط، منظور گوینده منظور دوم است. در استعاره تمثیلیه نیز با دو ساختار معنایی روبه رو هستیم اما معنای نخستین به هیچ وجه کاربردی نیست. مثلاً در کنایه‌ی «در خانه فلانی باز است» در خانه می‌تواند باز باشد اما در استعاره تمثیلیه (گره بر آب زدن) حقیقتاً نمی‌توان بر آب گره زد.» (رک، رضایی جمکرانی، ۱۴۹۴: ۴۷-۴۶)

تشبیه تمثیلی

اگر تشبیهی داشته باشیم که وجه شبه آن از چندین امور برگرفته شده باشد و یا اینکه وجه شبه عقلی و وهمی باشد می‌توان آن را تشبیه تمثیلی دانست. در نظر خطیب قزوینی «تشبیه تمثیلی شامل تمام تشبیهاتی می‌شود که وجه شبه آن از امور متعدد انتزاع شده باشد در حالی که جرجانی شرط عقلی

بودن وجه شبه را نیز مطرح می‌کند که شامل وجه شبه اعتباری و وهمی نیز می‌شود اما سکاکی تنها آن را در وجه شبه اعتباری و وهمی منحصر می‌داند. (رک. پرهیزی، ۱۳۶: ۱۳۹۴)

علاوه بر مختصاتی که ذکر شد، به نظر می‌رسد یکی از عناصری که در جدا سازی تمثیل و تشبیه تمثیل بسیار تأثیر گذار است و دیدگاه‌های مذکور از آن غفلت کرده‌اند، عامل نشان دار ادات تشبیه است. در ساختار تشبیه تمثیل به دلیل حضور ادات تشبیه که اغلب مرکب‌اند (مانند: «بدان ماند که»، «راست ماند بدان که»، «لایق به دین سیاق»، «از اخوات این سیاق»)، خواننده از وجود تشبیه آگاه می‌گردد؛ مثلاً در امثال زیر چنین آماده است: «هرکه علم خواند و عمل نکند به دان ماند ک گاو راند و تخم نیفشاند.» (سعدی، ۵۴۶: ۱۳۸۵)

بنابراین آگه ادات تشبیه را عاملی نشان دار در تشبیه تمثیل بدانیم، باید گفت همین عنصر زمینه ساز تمایز اصلیه تشبیه تمثیل و تمثیل است؛ به عبارتی در تمثیل از ادات تشبیه خبری نیست. از طرفی در تمثیل عمدتاً تنها با مشبه به سروکار داریم و از طریق آن مشبه را درمیابیم، از این رو، «مهم‌ترین نوع تمثیل را به عنوان «استعاره گسترده» تعریف کرده‌اند. هم در استعاره هم در تمثیل شباهتی ضمنی تلویحاً فهمیده می‌شود؛ اما در استعاره شباهت ضمنی ادامه و گسترش میابد» (پورنامداریان، ۱۴۳: ۱۳۷۵)

اسلوب معادله

یکی از آرایه‌های ادبی است که اساس آن برگرفته از تمثیل است و نخستین بار شفیع کدکنی دست به تعریف آن به شکل مجزا و با ویژگی‌های دقیق‌تر در کتاب «شاعر آینه‌ها» می‌زند. و در این باره چنین می‌نویسد: «اسلوب معادله را من به عمد ساختم برای استفاده در سبک شناسی، بعضی آن را تمثیل خوانده‌اند برای این که با ارسال المثل و یا هر نوع مصراع حکمت آمیزی که بتواند جای مثل را بگیرد، اشتباه نشود؛ عمداً این اصطلاح را به کار می‌برم. منظور من از اسلوب معادله یک ساختار مخصوص نحوی است. تمام مواردی که به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست. اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری را حتی معنا (نه فقط به لحاظ نحو) به هم مرتبط نکنند؛ در صورتی که در اغلب مواردی که به عنوان تمثیل ذکر شده است این استقلال نحوی مورد بحث قرار نگرفته است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۶۴-۶۳)

مثل

مثل یکی از انواع تمثیل به حساب می‌آید و و باید میان دو جمله‌ای که ما بیان می‌کنیم شباهت وجود داشته باشد. چنانچه در فرهنگ دهخدا ذیل واژه‌ی ضرب می‌خوانیم: «ضرب المثل عبارت است از ذکر چیزی تا ظاهر شود اثر آن در غیر آن چیز و در ضرب مثل؛ تا مشابهت در بین نباشد، زدن مثل صورت نگیرد و برای آن ضرب مثل نامیده شده که شیء محل زدن واقع گردیده یعنی چیزی در آغاز امر بیان شده. در ثانی مورد ضرب مثل گردیده سپس بر سبیل استعارت برای هر حالت یا افسانه یا صنعتی جالب که شگفتی در آن نیز باشد، استعمال گردد.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۱۵۹) و در کتاب بزرگ ضرب المثل‌های فارسی مثل چنین تعریف شده است: «مثل جمله‌ای است کوتاه گاه آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه‌ی روانی و سادگی الفاظ، و روشنی معنا و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار می‌برند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱/۲۵)

بررسی تمثیل فشرده در غزلیات حافظ

استعاره‌ی تمثیلی

بنابر آنچه از تعریف استعاره‌ی تمثیلیه در یافتیم بهترین راه تشخیص آن قرار دادنش در کنار کنایه است که اگر دو معنی جمله دارای کاربرد و مورد استفاده باشد کنایه است ولی اگر فقط یک معنی از جمله‌ی مد نظر ما کاربرد داشته و مورد نظر باشد آن را استعاره‌ی تمثیلیه می‌خوانیم.

چه قیامت است جانا! که به عاشقان نمودی؟ دل و جان فدایت رویت، بنما عذار مارا

(جافظ، ۶/۱۳۸۳)

چنانچه در بیت بالا و در مصراع اول می‌بینیم جمله‌ی قیامت را نشان دادن ترکیبی است که به هیچ وجه معنای ظاهری آن را نمی‌توان قبول کرد و نمی‌توان گفت کسی می‌تواند قیامت را نشان دهد بلکه منظور از آن معنای ثانوی و پنهان شده‌ی جمله یعنی آزار دادن مد نظر و قابل قبول می‌باشد.

عنقا شکار کس نشود، دام بازچین کانجا همیشه، باد به دست است دام را

(همان، ۷/)

چنانچه در بیت بالایی می‌بینیم به هیچ وجه نمی‌توان معنای ظاهری جمله یعنی باد در دست بودن را پذیرفت چون امکان انجام این کار وجود ندارد بلکه معنای ثانوی آن یعنی چیزی در دست نبودن و چیزی عاید نشدن مد نظر است. و این ترکیب استعاره‌ی تمثیلی می‌باشد.

در بیت زیر نیز چنانچه می‌خوانیم نیز نمی‌توان پذیرفت که باد در دست دام باشد و رواج نیست بلکه فقط معنی ثانوی جمله یعنی بی‌دوامی عمر مورد قبول می‌باشد.

بیا که قصر امل، سخت سست بنیاد است بیار باده، که بنیاد عمر بر باد است

(همان/۳۷)

و یا در بیت زیر که به عقل نوشیدن عملی غیر ممکن است ولی برداشت با عقل گوش کردن و عاقلانه تصمیم گرفتن از آن قابل قبول است:

صراحی و حریفی گرت به چنگ افتد به عقل نوش، که ایام فتنه انگیز است

(همان/۴۱)

و یا در مصرع دوم بیت زیر که خونریز بودن زمانه را بیان کرده است و در اصل نمی‌توان پذیرفت که زمانه می‌تواند خونریز باشد و کاری را انجام دهد بلکه معنای بی‌رحم بودن آن را مد نظر دارد:

در آستین مرقع پیاله پنهان کن که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است

(همان)

شیر، در بادیه‌ی عشق تو روباه شود آه از این راه، که در وی خطری نیست که نیست

(همان/۷۳)

شیر روباه شدن در بیت بالایی در معنای قوی ضعیف شدن قابل قبول است ولی نمی‌توان پذیرفت که شیری روباه شود. و این عبارت کنایه نیست.

گرچه صد رود است در چشمم مدام زنده رود و باغ کاران یاد باد

(همان/۱۰۳)

در بیت بالا می‌بینیم که شاعر از غم جدایی از یارش چنان گریه کرده که صد رود در چشمش ایجاد شده است و این غیرقابل قبول می‌باشد و معقول نیست که بتوانیم بپذیریم که صد رود در چشم کسی نمایان باشد بلکه شاعر به اغراق معنای باطنی شیون و زاری بسیار زیاد را در نظر داشته است. که در اینجا هم فقط همین معنای باطنی قابل قبول است. و چون این ترکیب معنای ثانوی را در خود نهفته است استعاره‌ی تمثیلی می‌باشد.

حریم عشق را، درگه، بسی بالاتر از عقل است کسی آن آستان بوسد، که جان در آستین دارد
(همان/۱۲۱)

جان در آستین داشتن ترکیبی استعاره‌ی تمثیلیه است زیرا کسی در حالت عادی نمی‌تواند جان را در آستین داشته باشد و آن را نگه دارد و در اینجا معنای دوم آن از جان گذشتگی دریافت می‌شود.

دهان تنگ شیرینش، مگر مهر سلیمان است که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد
(همان)

از لعل تو، گریابم انگشتی زنهار صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
(همان/۱۶۱)

دو بیت بالا ترکیب جهان زیر نگین داشتن را بیان می‌کنند که چنانچه می‌دانیم سلیمان به واسطه‌ی انگشتی می‌توانست قدرتی داشته باشد و همه را تحت سیطره‌ی خود نگه دارد و این ترکیب به هیچ وجه نمی‌تواند به معنای این باشد که کسی جهان را در زیر انگشترش نگه داشته است بلکه قدرتی داشته که توانسته اینکار را بکند و لب و دهان معشوق همچون انگشتر قدرت سلیمان هست که می‌تواند عاشق را به واسطه‌ی این بهره‌وری دارای چنان قدرتی سازد که تمام جهان را تحت سیطره‌ی خود داشته باشد.

هرکو نکاشت مهر و زخوبی گل نچید در رهگذار باد، نگهبان لاله بود
(همان/۲۱۴)

در بیت بالا نیز چنانچه می‌بینیم نگهبان لاله آن هم در جایی که باد می‌وزد کاری بیهوده و عبث است و معنای ثانوی حاصل از ترکیب فوق مد نظر بوده است.

بد آن مثل که شب آبستن از روز از تو ستاره می شمارم تا که شب چه زاید باز
(همان/۲۶۱)

شب نمی تواند آبستن باشد بلکه معنایی ثانوی باید مد نظر باشد و آن آشکار شدن است.
ز سوز شوق، دلم شد کباب دور از یار مدام خون جگر می خورم زخون فارغ
(همان/۲۹۷)

خون جگر خوردن در مصرع دوم بیت بالایی نیز بسیار دور از ذهن است که بخواهیم بپذیریم شخصی مشغول خوردن خون جگر است بلکه در پشت این جمله معنایی دیگر نهفته است و همان معنا نیز مد نظر می باشد.

آب و آتش بهم آمیخته‌ای از لب لعل چشم بد دور که بس شعبده باز آمده‌ای
(همان/۴۲۲)

آمیختن آب و آتش با یکدیگر کاملاً غیر قابل قبول است و اگر آب را به آتش بیفزاییم آن را خاموش کرده و فقط آب و یا خاکستر بر جای می ماند و در اینجا باز ما متوجه می شویم که نمی توان این جمله را در حالت عادی بپذیریم بلکه معنایی ثانوی همچون کار خارق العاده و یا شگفت انگیز از آن برداشت می شود و کاربرد دار

اسلوب معادله

حافظ که در کاربرد اکثر صنایع ادبی قدرت ویژه‌ای دارد؛ در کاربرد ابیات مستقل نیز بی نظیر است. در دیوان حافظ نمونه‌هایی از تک بیت‌های مستقل و ناب یافت می شود که بسیاری از آن‌ها را می توان به عنوان نمونه‌های زیبای اسلوب معادله قلمداد کرد. در این قسمت با توجه به اینکه اسلوب معادله‌های غزلیات حافظ مورد نظر و بررسی برخی محققان قرار گرفته شده است تنها به بیان تعدادی از ابیات بسنده می کنیم:

قد آمیخته با گل نه علاج دل ماست بوسه‌ای چند بیامیز به دشنامی چند
(همان/۱۸۲)

«حافظ بر خلاف تعریفی که از شاکله‌ی ابیات هندی می‌شود یعنی بیان مطلب معقولی در یک مصراع و تمثیلی در مصراع دیگر را اسلوب معادله دانسته و دایره آن را محدود می‌سازد ساختار اسلوب معادله را عکس این تعریف به کار برده است.» (ر. ک. حجازی، سلمانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۱) و هر دو مصراع را محسوس بیان می‌کند. و قند آمیخته با گل دقیقاً و مانند بوسه‌ی آمیخته با دشنام است و هر دو مصراع تمثیلی برای هم محسوب می‌شوند. «تمثیل منطقی آن است که ما بین دو چیز به حسب ظاهر مشابهتی وجود داشته باشد و بدان سبب، حال و حکم یکی را بر دیگری قیاس کنند. یعنی حکم یکی را بر دیگری مترتب سازند.» (همایی، ۱۳۷۶: ۲۹۹)

مرنج حافظ و از دلبران حفاظ مجوی
گناه باغ چه باشد چو این گیاه نرست
(همان/۲۸)

در بیت زیر چنانچه می‌بینیم خلوص عاشق همچون زر خالص است که معشوق که همانند محک است می‌تواند آن را بیازماید و شاعر توانسته حال و حکم مصراع اول را بر مصراع دوم قیاس کند. و مصراع دوم تمثیلی منطقی برای مصراع اول محسوب شده است

در خلوص منت آر هست شکی تجربه کن
کس عیار زر خالص نشناسد چو محک
(همان/۳۰۱)

در بیت زیر نیز مصراع دوم تمثیلی منطقی برای مصراع اول بوده و شاعر سیل سرشک را همچون قطره‌ی باران دانسته است که دردل معشوق که همچون سنگ خاره است تأثیری ندارد.

سیل سرشک ما ز دلش کین به در نبرد
در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد
(همان/۱۳۹)

در این بیت نیز چمن همچون چراغ مصطفوی است و وجود خار و مزاحم در چمن نیز همچون شرار بوله‌بیبست در کنار چراغ مصطفوی و مصراع دوم تمثیلی منطقی برای مصراع اول می‌باشد.

در این چمن گل بی خار کس نچید آری
چراغ مصطفوی با شرار بوله‌بیبست
(همان/۶۴)

در بیت زیر نیز ملامت گو همچون چشم نابینایی محسوب شده است که نمی‌تواند ماجرای میان عاشق و معشوق که همچون اسراری هستند را درک نمی‌کند. و حال و حکم مصراع اول را همانند مصراع دوم دانسته و تمثلی منطقی به کار برده است.

ملامت گو چه دریابد میان عاشق و معشوق
نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی
(۴۷۴)

مثل

آنچه اشعار دارای مثل را از اشعار دارای اسلوب معادله متمایز می‌سازد این است که به هیچ وجه شرط نیست مصراع دوم، یا کلاً مصراع‌هایی که به عنوان مثال آورده می‌شود، مثل باشد. حافظ همچون دیگر شاعران شعر خود را از این نکته‌ی ادبی و بلاغی محروم نساخته است و مثل‌هایی را در غزلیات خود به کار برده است که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

در تمامی ابیات زیر مصراع دوم مثل محسوب می‌شوند. که همگی در محل ضرب جمله‌ی اول واقع شده‌اند.

با دوستان مروت با دشمنان مدارا (همان/۵)	آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست (همان/۷۲)	هر گه دل به عشق دهی، خوش دمی بود
با درد کشان هر که در افتاد و رافتاد (همان/۱۱۰)	بس تجربه کردیم در این دار مکافات
که با من هر چه کرد آن آشنا کرد (همان/۱۳۰)	من از بیگانگان هرگز ننالم
هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد (همان/۱۲۵)	با خرابات نشینان ز کرامات ملاف
مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر (همان/۲۵۰)	سعی نبرده در این راه به جایی نرسی
دست ما کوتاه و خرما بر نخیل (همان/۳۰۸)	پای ما لنگ است و منزل بس دراز

شاعر در بیت زیر جهت هشدار دادن و آگاه کردن مخاطب مصرع دوم را به صورت امر منفی بکار برده است و بیان می‌کند که اگر کاری را به موقع انجام ندهی دچار پشیمانی خواهی شد و همین پشیمانی می‌تواند باعث نابودی گردد:

زاهد پشیمان را ذوق باده خواهدکشت
عاقلاً مکن کاری کاورد پشیمانی
(همان/۴۷۳)

خلوت دل نیست جای صحبت اصداد
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
(همان/۲۳۲)

مرا به کشتی باده درافکن ای ساقی
که گفته‌اند نکویی کن و در دجله انداز
(همان/۲۶۳)

تشبیه تمثیلی

بنابر عقیده‌ی نگارنده با توجه به تعریفی که از تشبیه تمثیل در کتب بلاغی بیان شده است شاهد و مثالی در غزلیات حافظ یافت نشد.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی تمثیل فشرده که تمثیلی مختصر شده در یک یا چند جمله و مشتمل بر اقسامی چون تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، اسلوب معادله و مثل می‌باشد که در غزلیات حافظ صورت گرفت نتایج حاصل از آن بدین صورت می‌باشد که حافظ از میان چهار نوع تمثیل فشرده تنها از سه نوع استعاره تمثیلیه، اسلوب معادله و مثل بهره برده است و تشبیه تمثیلی در غزلیاتش کاربردی نداشته است. و بررسی اشعار این شاعر نشان می‌دهد که اقبال او به اسلوب معادله نسبت به دیگر انواع تمثیل فشرده بیشتر بوده است و استفاده از مثل‌های بسیار رایج و بدون تغییر و یا با اندک تغییر نیز از بسامد بالایی برخوردار است و ابیات نسبتاً زیادی نیز دارای جمله‌ی استعاره‌ی تمثیلی بودند. حافظ به این سه نوع تمثیل فشرده بیشتر از آنکه به جنبه‌ی ادبی و زیبایی سخن توجه کند جهت بیان اغراض حکیمانه و پند و اندرز و هشدار دادن سود جسته است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. پرهیزی، عبدالخالق، (۱۳۹۴)، سیر علوم بلاغی در ادب فارسی، تهران: اندیشگان.
۲. پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۳)، نقد و شرح غزل‌های حافظ استعلامی، تهران: سخن.
۴. حجازی، حمیده، سلمانی نژاد مهرآبادی، تنوع در بکارگیری اسلوب معادله در شعر حافظ، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال هشتم، شماره سوم، (۱۳۹۴)، پیاپی ۲۹، صص ۱۰۹-۹۵
۵. حمیدی، سید جعفر، شامیان، اکبر، (۱۳۸۴)، سرچشمه‌های تکوین و توسعه‌ی انواع تمثیل (اسطوره، رؤیا، فرهنگ عامه)، نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۸، صص ۱۰۷-۵۷
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
۷. رضایی جمکرانی، احمد، (۱۳۹۴). تشبیه تمثیل و استعاره‌ی تمثیلیه در کتب بلاغی، ادب پژوهی، شماره‌ی ۳۴، صص ۳۳-۵۰.
۸. ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۸)، فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های ایرانی، تهران: معین.
۹. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵)، گلستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مروی.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۱) شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.
۱۱. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، بیان، تهران: میترا.
۱۲. شیرینی، قهرمان، (۱۳۸۹)، تمثیل و تصویری نواز کارکردها و انواع آن، کاوش نامه، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۰، صص ۳۳-۵۴
۱۳. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۶)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.

References

1. Parhizi, Abdolkhalegh, (2015), The course of rhetorical sciences in Persian literature, Tehran: Andishegan. (in Persian)
2. Pournamdarian, Taghi, (1375), Mysteries and mysteries in Persian literature, Tehran: Scientific and cultural. (in Persian)
3. Hafez, Shamsuddin Mohammad, (2004), Critique and description of Hafez's inquiries, Tehran Sokhan. (in Persian)
4. Hejazi, Hamideh, Salmanejad Mehrabadi, Variety in using the equation style in Hafez's poetry, Quarterly Journal of Persian Stylistics and Poetry, Year 8, Number 3, (2015), Consecutive 29, pp. 109-95. (in Persian)
5. Hamidi, seyed Jafar, shamian, Akbar (2005), the origins of the formation and development of allegory (myth, the dream of popular culture, science and science) Pp. 107-57. (in Persian)

6. Dehkhoda, Ali Akbar, (1998), Dictionary, Volume 5, Tehran: University of Tehran. (in Persian)
7. Rezaei Jamkarani, Ahmad, (2015). The allegory metaphor and metaphor in literary rhetorical books, No. 34, pp. 33-50. (in Persian)
8. Zolfaghari, Hassan, (2009), The Great Culture of Iranian Proverbs, Tehran: Moin. (in Persian)
9. Saadi, Mosleh Ibn Abdullah (2006), Golestan, By the efforts of Khalil Khatib Rahbar, Tehran: Marvi. (in Persian)
10. Shafiee Kadkani, Mohammad Reza, (1992) The Poet of Mirrors, Tehran: Agah. (in Persian)
11. Shamisa, Sirius, (2007), Sian, Tehran: Mitra. (in Persian)
12. shiri, Ghahraman, (2010), Allegory And your image of the works and its types ", Kavoshnameh, year 11, number 20, pp. 33-54. (in Persian)
13. Homayi, Jalaleddin, (1997), Rhetoric Techniques and Literary Crafts, Tehran: Homa. (in Persian)

Original Paper **A study of intensive allegory in Hafez's lyric poems**

Nooshin Honarmand¹, Ali Eshghi Sardehi^{2*}, Abolghasem Amirahamdi³

Abstract

Allegory is one of the most important topics in old and new rhetoric, which is structurally divided into short or concise allegory and wide allegory. In compact and descriptive allegory, the most important types of which are allegorical allegory, allegorical metaphor, parable and equation style, it does not exceed one or more sentences and has a special place in the poems of ancient poets. But so far a complete and separate research. Compact allegory and its types have not been written in Hafez's sonnets. It seeks to answer questions such as: What is the use of compact allegory in Hafez's lyric poems and what types of compact allegory are most used? Hafez's concise allegories are more of an allegorical metaphor, an equation style, and a parable, and allegorical allegory is very rarely used.

Keywords: concise allegory, allegorical metaphor, allegorical simile, parable, equation style

Received: 11 September 2020 **Accepted:** 10 November 2021 **Available online:** 16 January 2022

1. PhD Student in Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran

Please cite this article as: Honarmand, Nooshin., Sardehi, Ali Eshghi., Amirahamdi, Abolghasem., (2022) A study of intensive allegory in Hafez's lyric poems. Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Islamic Azad University- Bushehr Branch, 50(4): 150-165. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1400.13.50.7.4>



© The Author(s).

DOR: 20.1001.1.2717431.1400.13.50.7.4

No. 50 / Winter 2022

Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch